

درس چهارم

داستان من و شما

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها

فرار و فرود: بلندی و پستی	بی‌گمان: قطعاً، حتماً
شور: فریاد، غوغا	پُرماجرا: پُر حادثه
شادابی: تازه بودن، با طراوت بودن	شاهد: آن‌که هنگام روی دادن امری حضور دارد، گواه
نسل: نژاد	تاخته‌اند: هجوم و حمله آورده‌اند.
آوا: آواز، بانگ، صوت	سلیقه: ذوق شخصی در انتخاب کردن چیزی
دل‌نشین: پسندیده و خوشایند	چندگانگی: چند شکل بودن
نغمه: آواز، سرود، آهنگ	فعلاً: در حال حاضر، اکنون
اعتبار: آبرو، ارزش، قدر	شیوه: روش
عظمت: بزرگی	پیوسته: همیشه
مقصود: هدف، قصد، نیت	
شُکوه: عظمت، شوکت، هیبت	

معنی نثرها

* بر زبان همه‌ی آنان جاری بوده‌ام.

معنی: همیشه، در هر دوره‌ای رواج داشتم و به کار می‌رفتم.

* پیمان محبت بسته‌ایم و به هم پیوسته‌ایم.

معنی: در بین ما مهر و دوستی برقرار است و با هم متحد و یک‌پارچه هستیم.

پیام درس

در این درس به ارزش نهادن به زبان رسمی کشور (زبان فارسی) تأکید شده است؛ بنابراین، تمام توان خود را برای پیشرفت و باروری زبان فارسی، به کار بگیریم تا همیشه در طول تاریخ، سرافراز و سربلند باشد. ما به عنوان دانش‌آموزان ایرانی باید رسم الخط و مفاهیم این زبان را با دقت درک کنیم تا در سرافرازی آن، سهمی داشته باشیم.

• هم خانواده :

فخر : فاخر	متحد : اتحاد	ظهور : ظاهر – مظهر
تعریف : عرف – معارف – تعاریف	مقصد : قاصد – مقصود – قصد	
لفظ : الفاظ –	تغییر : تغییرات – متغیر	عظیم : اعظم – معظم

• مخالف :

اندک : زیاد	جاری : ساکن	ظاهر : باطن
طولانی : کوتاه	پیوسته : گسسته	شکست : پیروزی
آغاز : پایان	فراز : فرود	

حکایت

علم و عمل

نوع نثر: مَسْجَع

برگرفته از: کتاب گلستان، سعدی (باب هشتم)

* دو کس، رنج بیهوده بُردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخورد، و دیگر آن که آموخت و نکرد. معنی: دو کس زحمتِ بیهوده‌ای کشیدند و تلاشِ بی‌فایده‌ای کردند: اول آن کسی که مال و ثروت ذخیره کرد و از آن استفاده نکرد و دوم آن کس که علم و دانش را یاد گرفت، اما به آن عمل نکرد. نکته‌ی دستوری: تمام فعل‌ها (بُردند، کردند، اندوخت، نخورد، آموخت و نکرد) زمان گذشته دارند. / بی‌فایده: صفت غیرساده است.

بیت ۱: علم، چندان که بیش‌تر خوانی چون عمل در تو نیست، نادانی

معنی: هر قدر که علم را بیش‌تر یاد بگیری، وقتی که به آن، عمل نکنی، نادان هستی.

- چندان که: هر قدر که

نکته‌ی دستوری: «چون» به معنی «زمانی که» و «وقتی که»، حرف ربط است.

بیت ۲: نه مُحَقِّقُ بُودَ نه دانشمند چارپایی بر او کتابی چند

معنی: عالمِ بی‌عمل نه مُحَقِّقُ است و نه دانشمند، بلکه مانند حیوانی است که چند کتاب را بر او بار کرده‌اند.

- مُحَقِّقُ: تحقیق کننده / چارپا: چهارپا مانند خر و اسب

بیت ۳: آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر

معنی: آن انسان نادان و کم‌خرد، نمی‌داند که آن چیزی را که حمل می‌کند، کتاب است یا هیزم.

- تهی مغز: نادان و کم‌خرد / هیزم: چوب / دفتر: در این بیت به معنی کتاب است.

پیام درس

علم و دانش اگرچه مهم است، باید با تلاش و عمل همراه باشد. علم بدون عمل ارزشی ندارد و به قول سعدی:
عالم بی عمل مثل زنبور بی عسل است؛ یعنی ارزش و اعتباری ندارد؛ بنابراین دانشمند واقعی آن کسی است که
علاوه بر داشتن علم و دانش، عمل‌گرا باشد.